

دارد. شاید در غلات حرف چندانی نداشته باشیم اما با محصولات کشاورزی قادریم به بهترین تجارت دست یابیم. در ارومیه ۴۸ نوع انگور داریم، حتی می توانیم معرف کشور خودمان هم باشیم مثلاً شلیل، زردآلو و هلو که محل تولد آن ایران، ارمنستان و سوریه است. مثلاً هلو (پرسیا وولگاریس) نام دارد. سایر کشورها به صادرات سویسید می دهند، در کشور ما صادر کننده متاسفانه حتی برای ثبت سفارش تا سایر کارهای اداری باید هزینه هم پرداخت کند. قوانین نیز دست و پا گیرند، بهتر است اول از صنعت پشتیبانی گردد، چرخ آن که راه افتاد سپس از او بگیرند. وزارت بهداشت باید ضمن نگاه دقیق و قانونی به صنعت کمک کند. همچنین حمایت بانکها از صنعت غذا هم یک ضرورت است. چندگانگی متولیان هم یک بلا تکلیفی را سبب شده است.

- در باره ی خانواده ی عزیزتان هم می فرمائید

ابتدا نکته ای را یاد آوری نمایم که همیشه و همه جا اگر دوباره متولد شوم و بخوام اجباراً ازدواج کنم باز هم همسر فعلی خودم را انتخاب خواهم کرد. از فرزندانم هم بسیار راضی هستم، یکی از پسرانم پزشک است و خانه ی مسکونی مرا او خریده است. از موفقیت های او بسیار راضی و خوشحالم. دارای پنج نوه از دو پسر هم هستم که بخشی از عشق من به زندگی محسوب می گردند اما یک عشق بزرگ هم دارم (کمی مکث میکند و آقای دکتر هدایت را نشان می دهد و گویی از عمق وجود می خندد) وقتی ایشان در ایران هستند تنها جایی که می روم، دیدن ایشان است و زمانی که تشریف ندارند احساس غربت می کنم. تصور کنید بیش از ۴۰ سال پشت سر ایشان حرکت کرده ام. بالاخره موسیقی، نقاشی و مطالعه نیز مشغولیات روحی و عشق جدا نشدنی من هستند.

- یکی از خاطرات خودتان با ایشان را بفرمائید؟

من به طور معمول دیرپندم و در انتخاب دوست سختگیرم، باور کنید زمانیکه آقای دکتر هدایت را دیدم حتی لحظه ای درنگ و تردید نکردم، حالت خوشی به من دست داد، دیدن ایشان شانس بزرگ زندگی من بود. با آمدن دکتر هدایت مسیر زندگی من تغییر یافت. کار اداری، دانشکده ها و همه چیز تحت الشعاع قرار گرفت و با جان و دل کوشیدم تا با ایشان باشم خود دکتر هم این مطلب را می دانند (به سمت دکتر نگاه می کند هنگامیکه تایید دکتر هدایت را می بیند، می خندد)

- شما دکتر شهاب واعظ زاده را چه قدر می شناسید؟

خودم را؟ زیاد نمی شناسم، این را به راستی می گویم

- آیا این آقای دکتر عزیز نکته ی منفی دارد؟

بسیار، مانند هر انسان دیگر. یکی اینکه زود از کوره در می روم، صبرم کم است و ممکن است دیرجوش باشم ولی وقتی دوست شدم و جوش خوردم مانند یک آلیاژ خواهم بود: غیر قابل جدا شدن از آنان.

نقاشی از علایق اصلی و همیشگی ایشان است. (عکس بزرگی را نشان می دهد که از داخل قاب نگاهش می کند) این عکس مادرم است، سالها پیش نقاشی کرده ام. زنی بود بزرگ با مهر و عاطفه ای تمام نشدنی، برای ما بسیار زحمت کشید. به قول استاد کزازی مثل هر زن ایرانی که از خودش می کاهد تا به همسر و خانواده بیفزاید. این خصیصه ی نیک تنها در زن ایرانی صادق است و بی نظیر در دنیا. از میان دهها تابلو یکی دیگر را نشان می دهد، این دختر گیلک با آن بار هیزم را نگاه کنید چه قدر زیباست، با ما حرف می زند. همه ی صورتش پر است از معصومیت. تابلویی هم در سمت بالای اتاق جا خوش کرده، تصویر سر یک اسب است با یالهایی رها در فضا و نگاهی سرشار از نجابت.

- آقای دکتر از فعالیت ها و حضورتان در صنعت بفرمائید:

در راه اندازی کارخانه های فراوانی مشارکت کرده ام حتی نقشه ی مهندسی برخی از آنها را نیز خودم تهیه کرده ام. روغن نباتی ورامین، قند میاندوآب، قوطی سازی احمدآباد، روغن نباتی گل، کارخانه ی شاهی، گنجه ی رودبار که مهندس اخوان حیدری همیشه یاریم نمود، صنایع غذایی بهروز، کارخانه بندرعباس، کارخانه جام مشهد،... جا دارد از عزیزانی همچون دکتر امین کیوان و مهندس اخوان حیدری یاد کنم که در راه صنعت غذا زحمات قابل تقدیری را متحمل شده اند و یا مهندس بیژن قدس طینت که جلسه ی اولین استاندارد را برای غذا با حضور وی در انستیتو نوشتیم.

- از افرادی که در صنعت غذا تاثیر گذار بودند چه نامها دیگری را به خاطر دارید؟

تمام دانشجویانی که در آن دوره ها پذیرفته شدند در حال حاضر از بهترین کارشناسان، مهندسان و مدیران صنعت غذا محسوب می گردند، همه ی اسامی به خاطر نمی آید: مهندس جهانگیر لاهیجی، دکتر محمود باقری، دکتر سرمد، مهندس روناسی، دکتر کمره ای، دکتر کاشفی، دکتر جهانگیری، مهندس موسوی، مهندس حمیدی، مهندس دولتشاهی، مهندس پوررسول، مهندس بقائی، مهندس صدقی، مهندس اعتمادی، مهندس حسن پور، مهندس... کاش می توانستم همه را نام ببرم. همچنین استادانی چون دکتر مرتضوی، دکتر دخانی، مهندس حیدری، مهندس احمدی، مهندس مدد نوعی، دکتر صدر زاده، سرکار خانم دکتر اقبال طاهری.

- وضعیت کنونی صنعت غذا از نظر شما چگونه است؟

در سالهایی وضعیت بد نبود اما اکنون تنگنا داریم. صنعت با تجهیزات فرسوده و کمبود نقدینگی مواجه است و حمایت نمی شود. درحالیکه صنایع غذایی را باید پشتوانه ی کشاورزی دانست. محصولات باغی ایران در نوع خود از بهترین های جهان است. می توانیم آن را فرآوری کنیم و با استفاده از صنایع تبدیلی، صادر کنیم که برای کشور ارزآوری

